

## بازسازی کعبه در سال ۱۰۳۹ هـ ق.

ایوب صبری پاشا  
به کوشش: سیدعلی قاضی عسکر



### مقدمه

عربستان بدون اطلاع قبلی، کعبه را در حصارى از تخته‌های مرتفع و بلند قرارداد و با استفاده از ابزار گوناگون، به جز حجرالاسود، دیوار کعبه و حجر اسماعیل را پوشانید. این اقدام پرسشهای فراوانی را برانگیخت و عمره‌گزاران را دل‌چرکین ساخت؛ چرا که پس از یک عمر انتظار، هم اکنون که توفیق تشرّف، آنان را رفیق گردیده، از دیدن کعبه محروم ماندند!

اطلاعات به دست آمده از طریق زائران و برخی کسان که توفیق گذشتن از دیوار چوبی را پیدا کرده و به درون کعبه راه یافتند نشان می‌دهد که دولت حجاز سقف چوبی کعبه را برداشته و از داخل خاک برداری نموده است و سپس چند ستون

کعبه معظّمه، زیباترین و پرجاذبه‌ترین مکان در حرمین شریفین و دارای ویژگی‌ها و قداست خاصی است. در فرهنگ دینی ما، کعبه به عنوان قبله مسلمانان جهان معرفی گردیده و برای نگاه کردن به آن، پاداش در نظر گرفته شده است. در طول تاریخ و از زمان پیدایش و ساخت کعبه تا کنون، حوادث گوناگونی برای این بیت رفیع رخ داده که گاهی منجر به فروریزی دیوار کعبه نیز گردیده است. مورّخان این رخ دادها را در کتب خود ثبت و جزئی‌ترین مسائل آن را بازگو کرده‌اند.

پس از پایان یافتن مراسم شکوهمند حج در سال گذشته، دولت

بتونی در داخل کعبه احداث کرده و کف کعبه را نیز بتون ریزی نموده و تا نزدیک درب بیت بالا آورده‌اند و برای آن که درب آسیب نبیند آن را از جا کنده و در گوشه‌ای بدور از دسترس زائران گذاشته‌اند، سپس سقف جدیدی بر روی ستون‌های جدید احداث نموده و شاذروان را نیز بازسازی کرده است. سنگ‌ها و نمای بیرونی کعبه تا کنون تغییری نکرده، لیکن سنگ‌های دیواره حجر اسماعیل و شاذروان را تعویض نموده‌اند.

درست در همین ایام که تعمیر کعبه و چگونگی آن ذهن مرا به خود مشغول ساخته بود، کتابی مخطوط به نام «مرآة الحرمین» تألیف ایوب صبری پاشا به دستم رسید و با مروری به مطالب آن، دریافتم که پیشینه تاریخی تعمیر کعبه و شیوه کار در گذشته با سبک امروزی آن، تاحدودی نزدیک به هم ذکر شده است؛ وی می‌نویسد: «... در زمان شریف مسعود - والی مکه - سیل عظیمی آمد و قسمتی از دیوار کعبه فروریخت. رضوان آقا فرستاده دولت عثمانی، مأموریت یافت تا نسبت به تعمیر کعبه اقدام کند او هم دیواری از تخته در اطراف کعبه کشید و کار را آغاز کرد.

سپس می‌افزاید: وی به عبدالله بن زبیر تاسی کرده؛ چرا که او نیز به هنگام

تعمیر کعبه از همین شیوه استفاده کرده است.» از این رو تصمیم گرفتم این اطلاعات را به خوانندگان عزیز فصلنامه «مِيقَاتُ حج» منتقل سازم. لیکن پیش از آن اطلاعاتی کوتاه درباره مؤلف و مترجم کتاب:

ایوب صبری پاشا فرزند سید شریف الاسلام بن حاج احمد، در شهری به نام «ارمیه» از توابع «روم ایلی»<sup>۱</sup> و یا «تسالیان» از توابع بنی شهر ترکیه چشم به دنیا گشود. وی فعالیت‌های اجتماعی و شغلی

خود را با ورود به زرادخانه نیروی دریایی ترکیه آغاز نمود و خیلی سریع رشد کرد تا به فرماندهی رسید. آنگاه براساس مأموریت شغلی، به حجاز آمده، مدت قابل توجهی از عمر خود را در مکه و مدینه گذراند و با تاریخ این منطقه آشنا شد. البته تاریخ ورود او به حجاز به طور دقیق روشن نیست لیکن او خود در مرآة الحرمین گفته است:<sup>۲</sup>

«حقیر جامع الحروف در اواسط شهر شعبان ۱۲۸۹ به مکه مشرفه واصل شدم...»<sup>۳</sup>

وی در این سفر یادداشت‌ها و مطالب فراوانی را گردآوری کرده و یا خود شخصاً به تحقیق پرداخته، و نتیجه کار چندین ساله خود را در کتابی به نام «مرآة الحرمین» در اختیار مردم گذاشت. اگر سال



موضوع‌های اصلی مطرح شده در این اثر شامل: مراکز اصلی جزیره العرب، نحوه شکل‌گیری مکه و مدینه، قبیله‌های ساکن در این منطقه، مذاهب و فرق ساکنان آن، پیامبرانی که در این منطقه بوده و یا از این ناحیه برخاسته‌اند، نحوه پیدایش اسلام و گسترش آن، تاریخ تعمیرات و کارهایی که بر روی کعبه و مسجد نبوی در مکه و مدینه انجام شده، همچنین اصول و آداب زیارت حرمین، زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی حرمین، عرفیات و عاداتها و تلاشها و فعالیت‌های سلاطین عثمانی در زمینه حرمین شریف است.

وی در زمینه تاریخ و جغرافیای جزیره العرب نیز تحقیق گسترده‌ای انجام داده است که این اثر با نام «جزیره العرب» به زبان عربی انتشار یافت (۱۳۰۶).

ایوب صبری پاشا در نگارش *مرآة الحرمین* از آثار قدما نیز بهره جسته و از منابع و کتبی همچون:

تفسیر کبیر فخر رازی، تفسیر روح البیان، تفسیر ابی‌السعود، تفسیر ابن کثیر، تفسیر خازن، تفسیر نسفی، تفسیر ابن عادل، شرح قسطلانی بر بخاری، صحیح مسلم، فتاوی قاضی خان، اخبار مکه ازرقی و فاکهی، خلاصة الوفا باخبار مدینة المصطفی، وفاء الوفا، تاریخ الخمیس،

۱۲۸۹ ه. ق. را اولین سفر وی به حجاز بدانیم، از آنجا که سال ۱۲۹۹ ه. ق. تألیف *مرآة* به پایان رسیده، نتیجه می‌گیریم که تألیف این اثر گرانسنگ چیزی در حدود ده سال طول کشیده است.<sup>۴</sup>

کتاب در سه جلد به رشته تحریر در آمده است؛ جلد اول «مرآة مکه» جلد دوم «مرآة مدینه» و جلد سوم «مرآة جزیره العرب» نامبردار است و به ترتیب در سال‌های ۱۳۰۱ ه. ق.، ۱۳۰۴ ه. ق. و ۱۳۰۶ ه. ق. در چاپخانه «سنده» قسطنطنیه - استانبول ترکیه - به زبان ترکی اسلامبولی به چاپ رسیده است.

ایوب صبری درباره انگیزه خود از تألیف کتاب *مرآة الحرمین* نوشته است:

«چون در زبان ترکی تا کنون کتاب مستقلی در این باب نوشته نشده و روایاتی که در السنه و افواه گفته می‌شود با یکدیگر مخالفت و ضدیت داشت و به این جهت وصول به حقیقت امر، یک نوع صعوبت و اشکال به هم رسانیده و بسیاری از ابنای وطن نمی‌توانستند به طور مقصود، به فواید و فضایل آن دو بلدة مسعوده الماز اطلاع به هم برسانند... لهذا این عاجز غیر مقتدر وجود، آن چنان اثر عظیم القدر را - که موائد<sup>۵</sup> فوایدش غیر معدود و نظیر و ندیدش<sup>۶</sup> تا کنون ناموجود بود - لازم دید...»

نیروی دریایی ترکان عثمانی می‌نویسد: او کتابی به نام «مکه المکرمة و المدينة المنورة» در تاریخ حرمین شریفین در دو جلد به زبان ترکی تألیف کرده که من معتقدم اطلاعات خوبی را خصوصاً در رابطه با ساختمانهایی که پیش از پادشاهان ترک عثمانی بنا گردیده، جمع آوری کرده است. کما این که بر این باورم که ابراهیم رفعت پاشای مصری مؤلف کتاب «مرأة الحرمین» چون خود ترک زبان بوده و ترکی را خوب می‌دانسته، از این کتاب فراوان نقل کرده و حتی انتخاب نام مرأة الحرمین را برای کتاب خویش، از کتاب ایوب صبری پاشا اقتباس کرده است چرا که تاریخ تألیف کتاب مرأة الحرمین ایوب صبری پاشا قبل از زمان رفعت پاشا بوده است.

وی سپس می‌افزاید: اگر تاریخ نویسان زمان ما خواندن و نوشتن به زبان ترکی را می‌دانستند قطعاً مباحث بسیاری را از این کتاب برگزیده و نقل می‌کردند.

«والحق يقال انه كتاب فرید فی بابہ، وحید من نوعه... و انه للكتاب مشحون بالفوائد و المعلومات التاريخية الوثيقة وحبذا لو ترجم هذا الكتاب الى اللغة العربية ثم يطبع و ينشر لانه كتاب خاص بتاريخ الحرمین فقط.»

به حق باید گفت: کتاب «مرأة

تاریخ ابن هشام، عقد الثمین فی فضائل البلد الامین، بدایع الزهور فی وقایع الدهور، تدقیقات رائف افندی، فتوح الحرمین، تواریخ ترکیه، احکام سلطانیه، فذلکة کاتب چلبی، تاریخ رضوان پاشا، شفاء الغرام، استقصاء البیان فی مسألة الشاذرون، نور العین فی مشهد الحسین، قره العین فی اخذ ثار الحسین و... استفاده کرده است.<sup>۷</sup>

ایوب صبری پاشا، با استفاده از کلامی ساده به زبان ترکی، از شعرهای ترکی، فارسی و عربی حکایتها و روایتهای مختلفی را ذیل عنوانهای «حکمت، ارشاد، تنبیه، لاقحه فایده، اخطاء، ذیل، خاطره، مطالعه، صورت، لازم، علاوه، تکلمه، ملاحظه» بیان داشته و اطلاعات نسبتاً جامعی را ارائه داده است.

عاتق بن غیب بلادی درباره کتاب مرأة الحرمین نوشته است:

فراوانی اطلاعات مؤلف، نشان از آن دارد که وی مدتی طولانی در جزیره العرب سکونت داشته و با مردم این مناطق زندگی کرده است و مطالب آن زایدت تخیلات و ذهنیت نویسنده نیست بلکه نوشته‌های او همرا با واقعیت و درستی و صداقت و دقت در ثبت مسائل و حوادث تاریخی است.<sup>۸</sup>

محمد طاهر کردی مکی نیز در شرح حال ایوب صبری پاشا، سرلشگر



من أنوار المرأة الراء، فراعتنی یراعتها، و  
بهرتنی براعتها و قلت ان هذه:

تمثال أجيال مضت و سراًة  
حلّت محل الحال بعد فوات...

قم صاح و استطلع صباحاً رائقاً  
و اعجب من المرقات فى المرأة

مرأة نور الله زينها التقى  
تحكى حمى الفردوس فى نغمات

اهدى بها الأيام «ايوب» فما  
تفك تشكر منه فيض هبات...

والعلم يشهد انه بحر له  
بربجل عوائد و صلوات...

أحى لنا الاعيان فى آثاره  
ولتلك أكبر حكمة و ثبات...

فلقد أقر عيون كل ذوى الحجا  
ما بين ماض فى الزمان و آت

وغدا له الحر (النقيب) مؤرخاً  
«قد حصل الحرمين فى مرآت»<sup>۱۰</sup>

صبرى پاشا پس از مراجعت از  
حجاز، ارتقای مقام یافته به سمت  
سرلشگری نائل آمد و ریاست محاسبات  
نیروی دریایی را به عهده گرفت و در  
دانشکده دریایی «شاهانیه» در استانبول به  
تدریس پرداخت. وی که مورد توجه سلطان  
عبد الحمید خان ثانی از سلاطین عثمانی  
بوده، مدتی نیز ریاست دومین کمیسیون  
اصلاحات بحریه را بر عهده داشته است. او

الحرمین» در باب خویش بی نظیر، و در نوع  
خود یگانه است... کتابی است سودمند و  
پرفایده، و دارای اطلاعات تاریخی ذقیمت،  
و چه خوب بود این کتاب به زبان عربی  
ترجمه و سپس چاپ و منتشر می شد.

زمانی که ایوب صبری پاشا تألیف  
کتاب مرآة الحرمين را به پایان رساند،  
بسیاری از دانشمندان و ادیبان ترک<sup>۹</sup> به  
تعریف آن پرداختند و بر آن کتاب به زبان  
ترکی تقریظ نوشتند. در تقریظی که جودت  
پاشا نوشته، مطالعه این اثر خواندنی را - که  
در زمینه تاریخ و جغرافیای عرب از اعتبار  
ویژه‌ای برخوردار می باشد - توصیه کرده  
است.

ادیب بزرگ «نجیب نادر افندی» نیز  
تقریظ زیبایی به زبان عربی نگاشته که متن  
آن این است:

«طالما طالعت أطایب المطولات، و  
تفرست فى افخر المفصلات: قصد الوصول  
لا صدق التفاصيل، متوقياً الوقوع بسقطات  
الاقاویل: حتى حان الحین و حلّت الحان،  
ورق یراع مرآة الحرمين الرنان، و هتف  
هاتف التهلیل، بسل سبیل السلسبیل و خل  
الدخیل، و واصل الاصل، فافتست فرصة  
التفرس، و استرقت ساعة التجسس، فاذا  
بذوات الذوایل، و منهومات النهی و ناعمات  
الانامل، یحتجب المحاسن حیا، و یتوارین

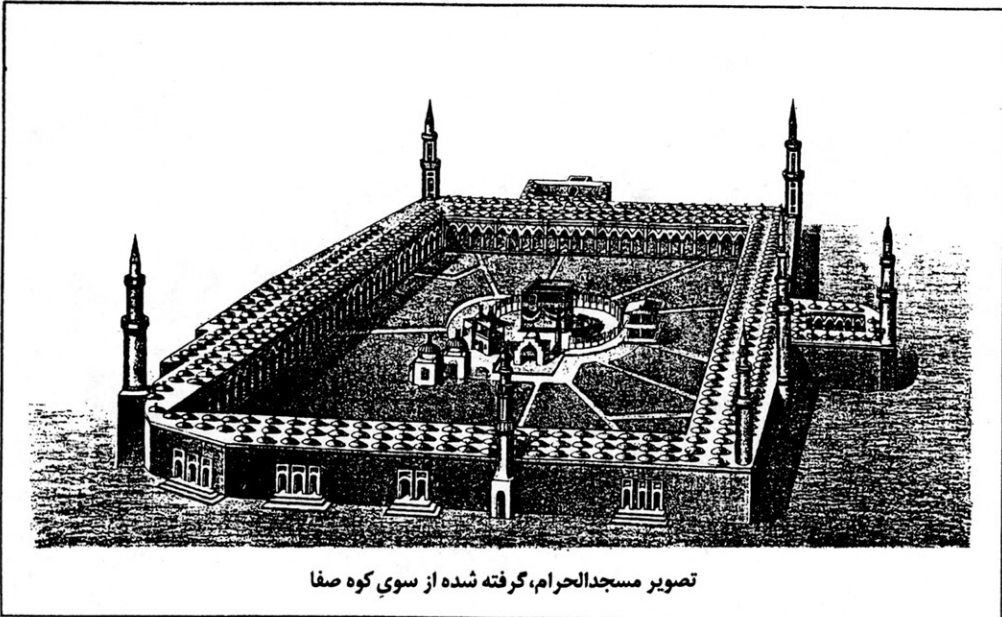
- سمرانجام در ۱۵ ماه صفر ۱۳۰۸ ه. ق. مطابق با ۳۰ ايلول ۱۸۹۰ میلادی در استانبول ترکیه وفات یافت و در محل آرامگاه قاسم پاشا در پایین مقبره وی به خاک سپرده شد.<sup>۱۱</sup>
- ۱ - یوب صبری پاشا به جز کتاب مرآة الحرمین، تألیف‌های سودمند دیگری دارد که به برخی از آنها ذیلاً اشاره می‌کنم:
- ۱ - محمود السیر (استانبول ۱۲۸۷ ه. ق.) این اثر با توجه به نیازهای مطالعه کنندگان و به زبان ترکی سلیس و شیوا، با بهره‌گیری از روایات، درباره زندگی دوازده امام - علیهم السلام - خلفای سه گانه، و عشره مبشره به بحث پرداخته است.
- ۲ - عزیز الآثار (استانبول ۱۲۹۱) این اثر ترجمه قصیده البُرد السنین است که توسط یکی از صحابه بنام کعب بن زهیر سروده شده است.
- ۳ - تکملة المناسک (استانبول ۱۲۹۲) اثری است فقهی در زمینه آداب فریضة حج.
- ۴ - تاریخ وهابیان (استانبول ۱۲۹۶) که در آن، تاریخ پیدایش وهابیت، گسترش آن، و فعالیت‌های پیروان وهابیت مورد بررسی قرار گرفته است. در همان سال تألیف این اثر در مجله «ترجمان حقیقت»، اختلاف روی داده و بار دیگر سلیمان جلیک
- پس از ساده نمودن متن کتاب، آن را مجدداً چاپ کرده است.
- ۵ - ریاض الموقنین (استانبول ۱۲۹۸ ه. ق.)، کتابی است در اخلاق و نصیحت برگرفته از آثار غزالی.
- ۶ - ترجمه الشامیل (استانبول ۱۲۹۸ ه. ق.)، این کتاب ترجمه شمایل النبی اثر ترمذی است که به مناسبت پنجمین سال جلوس سلطان عبد الحمید به تخت پادشاهی چاپ شده است.
- ۷ - وقایع اصحاب فیل (استانبول ۱۳۰۱ ه. ق.) رساله‌ای است درباره واقعه فیل که از سوره فیل قرآن کریم برگرفته شده است.
- ۸ - اسباب العنایه فی ترجمه بدایة النهایه (استانبول ۱۳۰۶ ه. ق.) این کتاب ترجمه بدایة النهایه غزالی است.
- علاوه بر عنوانهای یاد شده، ایوب صبری پاشا دارای آثار انتشار نیافته‌ای است که از جمله آثار موجود وی در کتابخانه سلیمانیه می‌توان به تاریخچه منظوم جنگ‌های کاتونی اسد افندی (ش ۲۴۲۲)، و ترجمه شاهنامه خسرو پاشا (ش ۳۷۰) اشاره نمود.
- کتاب مرآة الحرمین نه تنها در مناطق ترک زبان بلکه در ایران نیز مورد استقبال واقع شده به شکلی که وزیر

به نام زین العابدین بن نورالدین علی حسینی کاشانی (شهادت: ۱۰۴۰ ه. ق.) که خود در این بازسازی شرکت داشته، تحت عنوان «مفرحة الانام فی تأسیس بیت‌الله الحرام» به کوشش حجة الاسلام والمسلمین آقای رسول جعفریان در شماره ۵ فصلنامه «میقات حج» به چاپ رسیده است.

نسخهٔ مخطوط مرآة الحرمین، در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی موجود است و آقای سید عبد الله انوار اطلاعات مربوط به آن را چنین مرقوم داشته‌اند:

انطباعات<sup>۱۲</sup> ناصر الدین شاه، ترجمهٔ آن را به عبدالرسول منشی، مترجم دربار پیشنهاد نموده و وی در سال ۱۳۰۷ ه. ق. در دار الترجمة [معروف به] همایونی آن را با نثری زیبا و شیوا به فارسی ترجمه کرده، و آقای محمد قزوینی مشهور به آشوری دهم نیز آن را با خطی خوش در سال ۱۳۰۸ ه. ق. - در یکصد و اندی سال قبل - تحریر نموده است.

گفتنی است که گزارش بازسازی کعبه در سال ۱۰۳۹، توسط یک عالم شیعی



تصویر مسجد الحرام، گرفته شده از سوی کوه صفا



مرآت مکة



تواقل انقاس حجاج قماریدن و ارامل مراحل احتیاج شایردن افزون حمد و سپاس اخلاص مقرون جناب خدای بیرون (تعالی شاه ماحولون) حضرت نثره البی و احرا در که کتبه منظمه بنای عزت نبیاسنی مکة مکرمه شهر شهرنده خلق و ایجاد پایه باده جای عصیان اولانتره و سبیل هدایت و اول دار الشیفة عم البواله بنون ممالک مؤحدین سککنسی دعوت ایه | من دخاله کان آناً | مانند: عظام الفائد مستنده اطعام و اولقبه جاجات رسل و امیالک تجدید و تمسیرته. موفق اولان سلاطین عظام اسلامی بن الامانل انخام و اعظام بیوردی §

و ملوات سائبات کونا کون نتیجه مقدمات آکان و ششون اولان برینه بر آخر الزمان (عابه و علی الله سلام الله التان) اقتدیر حضرت نثرینک حجره پاک و روضه تاباک جناب رسالتنا بهیرنه شایان عرض واحدادو که (مابین

مرآت الحرمین

مکة مکرمه و مدینه منوره باین مبارکینک کتب مقدسه مسطور اولدیرنی و تاریخ نظرند مالمدینی کوردن زمانزه قدر کوردکری اختلاطه و جزیره البریده متوطن اولان قبائل مرابک شمعیکی احواله اولالله تابع اولدیرنی قوانین و نظامانه دایر بر تاریخ مخصوصدن .

ذاتی

بحریه میرالایرندن

ایوب صبری

برنجی جلدی - برنجی طبعی

قسطعلیینه

بدر بحره که مطبعه سنده مطبع و تقیل اولنشددر

۱۳۰۱

### مرآة الحرمين (جلد اول و دوم)

از: صبری پاشا؛ مترجم: عبد الرسول منشی؛ زمان ترجمه: ۱۳۰۷ هـ ق. اهداء به: ناصرالدین شاه.

صبری پاشا به زبان ترکی دو جلد کتاب در تاریخ و جغرافیای مکة و مدینه می نویسد که حاوی مطالب جالب توجهی درباره این دو ولایت است. در این دو جلد از تأسیس این دو شهر و ساختمان قسمتهای مختلف آن و حوادثی که بر آنها رفته، شرح

مفصل می آورد. عبدالرسول منشی آن را به زبان فارسی برمی گرداند و جلد اول آن از صفحه یک تا ۴۳۴ و جلد دوم بلافاصله بعد از جلد اول از صفحه یک تا ۲۹۴ می باشد.

آغاز جلد اول: بسمله، حمد و سپاس افزون از وهم و قیاس مر یگانه خدای بیچونی را سزاست.

پایان جلد دوم: یکصد جنازه پیدا نموده و دفن کرده بودند.

نستعلیق، ۱۳۰۸ هـ ق.، محمد





بعقه مسعوده، درجه لزوم و وجوب را گذشت.<sup>۱۴</sup> چون به واسطه مسأله مشروع، که ذکر شد، سلاطین ماضیه نتوانسته بودند تعمیر و تجدید کنند، به این جهت در عصر سلطان احمد خان به حالتی رسید که چیزی نمانده بود ساقط شود، اگر چه سلطان احمد خان خواست که اینیه آن بیت لطیف را تجدید کند ولیکن چون شرعاً اجازه و رخصت داده نمی‌شد، لهذا چنان که در مقاله سابقه مذکور آمد<sup>۱۵</sup> به کمربندها و گوشه‌بندیایی که از آهن ساخته شده بود، تشیید شده و یکی از ارکان اربعه نیز به قدر امکان تعمیر و ترمیم گردید. اگر چه این تعمیر هجده سال تمام، بیت معظم را از سقوط و انهدام محافظت و حراست نمود، ولیکن روز چهارشنبه نوزدهم شعبان ۱۰۳۹ در جبال اطراف اربعه قطعه مقدسه حجاز، به طوری باران متوالی که با رعد و برق و صواعق اتصال داشت نازل شد، که آب باران مانند سیل عزم<sup>۱۶</sup> کثرت و ازدحام پیدا نموده به یک هجوم فوق العاده به داخل حرم شریف مسجد الحرام در آمده و در هر ساعتی از ساعات شدت پیدا نموده، دو ذرع از جنای<sup>۱۷</sup> کلید باب معلا جناب کعبه الله ارتفاع پیدا نمود. دکاکین و بیوت و مکاتب که مصادف راه سیل بود، عموماً خراب شده

قزوینی آشوری، طهران، ناصر الدین شاه، سرلوحه در صفحات اول و دوم مذهب زروشنجرف و لاجورد و سبز، در پنج صفحه اول میان سطور طلااندازی، سرفصلها با مرکب قرمز، جدول دور سطور سیاه و آبی و قرمز، جدول خارجی قرمز، سرلوحه جلد دوم در اول صفحه مذهب زروشنجرف و لاجورد و سبز - جلد: تیماج مشکی، گل و بوته زر، مقوایی، ۳۳۵×۲۱۰ - کاغذ: لفل نمکی، فرنگی ۱۳۶×۲۵۵، ۳۶۴ برگ، ۱۳ سطر کامل، ۱۳۱۶/س ۱۱۵۶  
سیدعبدالله انوار- فهرست‌نسخ خطی کتابخانه ملی - ج ۴ از شماره ۱۵۰۱ - ۲۰۰۰ کتابشناسی.

### بانی یازدهم بیت‌الله

بانی یازدهم بیت‌الله، سلطان مراد خان رابع بن سلطان احمد خان، از سلاطین عثمانیه است. چون شرعاً جایز نیست<sup>۱۳</sup> که مادامی که یک طرف بقعه مقدسه، سقوط نکند او را تجدید نمود، لهذا از عهد حجاج ظالم، تا زمان سلطان مشاؤالیه، از هیچ طرفی به تجدید و تعمیر بقعه مقدسه مبارکه جسارت و مبادرت کرده نشد، حتی به واسطه اندراس، ارکان اربعه آن مایل به رکوع شده، و به ملاحظه آن، مسأله تجدید و تعمیر آن

و سنگ‌های این ابنیه و خاک‌های آن‌ها، به صولت و قوت جریان سیل مقاومت ننموده، تابع سیلاب شده و به دایره حرم شریف داخل گردید. عدد نفوسی که در مخروبه دکاکین و مکاتب و بیوت مانده بودند قابل تخمین و حساب نبودند.

چون دیوارهای بیت معظم قابل سقوط و انهدام بودند، روز دوم دخول سیل به حرم شریف، که روز یازدهم شعبان بود<sup>۱۸</sup>، پس از نماز عصر، دیوارهای رکن شامی و رکن عراقی یک دفعه فرو ریختند و به واسطه صدایی که از این خرابی و انهدام حاصل شد و از تأثیر صداهای مخوف رعود و صواعق، عموم اهالی مکه دچار خوف و هراس شده و برخی هم ترک حیات و زندگانی خویش کردند، این گونه انهدام جدران بیت‌الله اهالی مکه را به قسمی به حیرت و دهشت انداخته بود که در واقع آن روز برای سکنه بیت‌الله از روز قیامت، نشانه و علامتی معدود می‌گردید، نسوان و رجال خائر<sup>۱۹</sup> و حائم<sup>۲۰</sup> پریشان گردیده و خود نمی‌دانستند که به چه بلایی مبتلا شده‌اند. نه مادر فرزند خود را تجسس می‌کرد و نه پسر پدر و مادر خویش را جستجو و تعاقب می‌نمود، آب‌ها سه روز پس از انقطاع سیل، در داخل مسجد الحرام مانده و روز چهارم

که راه‌های ممر سیل باز شد آب‌هایی که در داخل بیت‌عزت، متراکم شده بود خارج شده و رفت. و از سنگ‌ها و خاک‌هایی که به واسطه سیلاب آمده بود، در داخل حرم محترم، به ارتفاع یک آدم تپه‌های کوچک، کوچک، به یادگار ماند.

شریف مسعود بن ادریس که در آن تاریخ امیر مکه مکرمه بود، در داخل حرم محترم، با جمهور اشراف و سکنان بلد الله عقد انجمن مشاورت کرده و به طور مقرر قنادیل طلا و نقره را که در داخل حرم محترم معلق بود گرفتند، پس از آن به واسطه محمد پاشا والی مصر صورت واقعه و سقوط بیت‌الله را مفصلاً به سلطان اطلاع دادند، اگر چه محمد پاشا صورت واقعه را به دربار عثمانی خبر داد لیکن به واسطه بعد مسافت که وصول این خبر به اسلامبول، بالطبع به تأخیر می‌افتاد و جایز نبود که کعبه معظم به آن حالت متروک گردد، به «مصطفی آقا» نام، که آن وقت امین جدّه بود، مکتوبی نوشته و او را امر نمود که آلات و ادواتی را که برای تعمیر بیت‌الله لازم بود به وسیله سریع، حاضر سازد و به شریف بن مسعود نیز مرقوم داشت که تا زمان ورود خبر از اسلامبول، حرم محترم را از سنگ و خاک تطهیر نموده و به هر چیزی که لزوم و

احتیاج دیده شود به واسطهٔ مصطفیٰ آقا حاضر و مهیا سازد.

شریف مسعود به معاونت مصطفیٰ آقا، و علی بن شمس الدین افندی که مهندس مکه مشرفه بود از جدّه به قدر لزوم تخته و چوب حاضر ساخته، و از دیوارهای بیت معظم هر کدام را که منهدم و خراب نشده بود مستحکم نموده و از سه طرف آنها کمره‌های<sup>۲۱</sup> استوار بنا نمود. و به امید این که سقف شریف را محافظت کند، به چهار طرف آن ستون‌های چوبی بسیار محکم زده و این چوب‌ها را به یکدیگر ربط و بند نموده، و بیت عزّت را تا سقف شریف به واسطه تخته‌ها پوشانید.

به این عملیات، روز پنجشنبه بیست و نهم رمضان سال مزبور، شروع کرده شده بود، در ظرف چهارده روز؛ یعنی روز سیزدهم شهر شوّال، عملیات تمام شده و کسوه‌ای که در مدّت مرقومه، برای اکساء بیت‌الله، از کرباس سبز رنگ حاضر ساخته بودند، در هفدهم شهر شوّال به بیت عزّت پوشانیدند. اگر چه بدیهی است که سقوط بیت عزت به کافهٔ اهالی بلاد اسلامیة، تأثیر و حزن مخصوص داشت، ولیکن به واسطهٔ قرب مسافت، مصریان زیادتر از همه متأثر و متألّم بودند. حتی

چون ورود خبر از اسلامبول قدری دیر کرده بود و موسم حج نیز نزدیک بود، به این جهت به طور فوق العاده تلاش و تزلزل حاصل کرده بودند، بناءً علیه محمد پاشا والی مصر، فرستادن یک مأمور موقتی را در نزد خود خیال و تصوّر نموده، «رضوان آقا» نام را که از پروردگان حرم خاص سلطان بود، دعوت کرده و مَخْلَع<sup>۲۲</sup> داشته، به او گفت که تا زمان ورود فرمان سلطانی، تو را وکیل و امین ابنیهٔ بیت‌الله ساختم. چون موسم حج به غایت نزدیک است، به سرعت فوق العاده، به مکهٔ مکرمه عزیمت و اشیایی که در آنجا محتاج‌الیه است حاضر و تهیه ساز و صورت اشیایی را که باید از مصر فرستاده شود نوشته، و نزد من بفرست. محمد پاشا خلعتی نیز به شریف مسعود فرستاد، و سفارش نامه هم نگاشت، و رضوان آقا را به جانب مکه اعزام داشت.

چون رضوان آقا به محلی از محالات نزدیک مکه مواصلت کرد، شخصی را نزد شریف مسعود فرستاد و کیفیت مأموریت خود و آوردن خلعت را اعلام نمود. شریف پاشا نیز، اعیان مملکت و اشراف آن مرز و بوم مقدس را به استقبال رضوان آقا فرستاد.

رضوان آقا پس از آن که با جماعت

مستقبلین که از مکه آمده بودند ملاقات کرد، بعد از چهار روز که بیست و ششم شوال بود، به شهر مقدس کعبه محترمه واصل شده و به عمارتی که از طرف شریف مسعود حاضر و آماده شده بود نازل گشت، و روز دیگر را هم، چون اعلان کرده بودند که مراسم خلعت پوشان مجری خواهد گردید. کلیه اهالی در بیست و هفتم ماه مزبور، در حرم شریف اجتماع نمودند. شریف مسعود و رضوان آقا و اعیان مملکت و مأمورین حکومت و متحیزین علما نیز به اصول تشریفات رعایت نموده و همگی در میان باب کعبه الله و مقام ابراهیم ایستادند. اوامر عالیه و مکتوبی که حاوی و آمر ابقای مناصب حجاز بود، از طرف مأمور قرائت احکام و فرامین، خوانده شد. پس از آن خلعت فاخری که از طرف والی مصر فرستاده شده بود، به شریف مسعود اکسا گردید و از جانب شریف مسعود نیز به رضوان آقا و کسانی که همراه او آمده بودند، به هر یک به فراخور حال و شأن خودشان خلعتی اعطا گردید، پس از آن برای ازدیاد شأن و شکوه اسلام، ادعیه لازم خوانده شد و جمعیت متفرق گردیدند. به واسطه سنگ و خاک و خس و خاشاکی که با سیلاب آمده بود، داخل حرم شریف و

مدخل‌های آن محل مقدس، مملو شده بود. رضوان آقا سد روز بعد از ورود خود به مکه محترمه، شریف مسعود را با اعیان مملکت، در داخل حرم شریف جمع نموده و در خصوص امر تطهیر و تنظیف آن جا مشورت نمود. هر یک از حضار در یک خیال و رأیی بودند، خلاصه خیالات این‌ها آن بود که، داخل حرم شریف، ممکن نیست در اندک مدّت تطهیر و تمیز کرده شود، و چون موسم حج بود، قوافل حجاج علی التوالی<sup>۲۳</sup> از اقطار و آفاق، ورود و نزول می‌کردند. رضوان آقا آرای کلیه آن اشخاص را ردّ و جرح نموده، به قراء و قصباتی که در میان مدینه منوره و جده و سایر محال بود مأمورین فرستاده، کسانی را که الاغ و اسب و شتر داشتند، زیاده از آن چه باید اجرت داده و آن‌ها را تطمیع کرده، آن اشخاص را با حیوان‌های آن‌ها به مکه معظمه آورد و به یک همت فوق العاده شروع به کار کرده، در ظرف بیست و هفت روز<sup>۲۴</sup>؛ یعنی روز نوزدهم ذیقعدة الحرام، امر تطهیر مکه مکرمه را اتمام و انجام داد، گل‌هایی که به سنگ مخلوط کرده بود و با سیلاب به حرم شریف داخل شده بود، پس از آن که آب‌های سیل از مجاری خود از اندرون حرم شریف خارج شد، تحجر پیدا نموده و در

ارتفاع هفت، هشت ذرع هر یک کوهی شده بود و به واسطه تأثیر حرارت، آن قدرها سخت شده بودند که با بیل و کلنگ‌های آهنین، حرکت و کندن آن‌ها در نهایت صعوبت و اشکال بود. شب‌ها به آن کوه‌ها آب ریخته شده و صبح‌ها یک نوع نرمی و ملایمت در آن‌ها ظاهر می‌شد، عمله‌ها آن کوه‌های عارضی را، مانند مزارع مسطح ساختند. این کوه‌ها را که می‌کنند، رمل و ریگ آن‌ها را از خاک، تفریش<sup>۲۵</sup> کرده هر یک را به محلی جداگانه می‌ریختند. سهیلی افندی مرحوم، در ضبط نامه خود می‌نگارد که هر روز علی‌الدوام سی چهل هزار بار خاک از آن نقطه مقدس تابناک، به خارج می‌آوردند. چون مجرای عین زبیده نیز از کثرت طین و احجار مملو شده و خراب گردیده بود، اهل مکه از این رو نیز، مبتلای درد عطش و کم آبی بودند، رضوان آقا جاهایی را که از مجرای مزبور خراب شده و ریخته بود تعمیر و اصلاح نموده، روز ششم ذیحجه این خدمت را نیز به انجام رسانید.

### کرامت و معجزه بیت‌الله

زمانی که بقعه مقدسه کعبه‌الله سقوط می‌کرد، به زمزم شریف یک مرارت و

تلخی فوق‌العاده که نوشیدن آن محال بود حاصل آمده بود. اگر چه اعظام علما و متیخران<sup>۲۶</sup> فقرا استدعا نموده گفتند که چون اهل ایمان به ماء مبارک زمزم حسرت و احتیاج دارند بئر شریف زمزم را باید تطهیر و تنظیف نمود و تا زمانی که این چاه تطهیر نشده است نباید به محل دیگر توجه فرمود ولیکن چون امر تطهیر بئر مزبور به سی هزار قروش محتاج بود، و صرف مبلغی که زیاده از پنج شش هزار قروش بشود، محتاج به اذن و رخصت مجددی بود، لهذا رضوان آقا در جواب آن‌ها گفت که من نمی‌توانم به رأی خود این مبلغ را صرف نمایم، ناچار از والی مصر استیذان می‌کنم، محض این که تا زمان ورود جواب، بیکار نباشم باید خود را به کارهای دیگر مشغول سازم، رضوان آقا این جواب را گفته، و از تطهیر بئر شریف زمزم، صرف نظر نمود. مرارت و تلخی که به زمزم شریف عارض شده بود حسب‌الحکمه، از روزی که بنای کعبه محترمه شروع شد، علی‌التدریج روی به تناقص گذاشت. و چون عملیات ابنیه مسعوده به ختام رسید، بئر مزبور به کلی شیرین و گوارا شده و محتاج به تطهیر و تنظیف نگردید، انتهى.

رضوان آقا در اوایل ذیقعد به والی

عین مزبور به طغیان سیل منهدم و خراب شده بود، لهذا آب آن جا بکلی منقطع گردیده بود. رضوان آقا مجرای عین مذکور را، در یک صورت مکمل تعمیر کرده، و روزها را در وادی مذکور مانده، جاهایی را که خراب شده، به علی بن شمس الدین افندی که مهندس مکه مکرمه بود نشان می داد و آن جا را نیز تعمیر و اصلاح نموده، آب چشمه مزبور را در نهم ربیع الثانی جاری ساخته و به مکه معظمه آورد، پس از آن به مکه معظمه معاودت کرده، برای هیزم و ذغال و گچ و لوازمات سایره که برای ابنیه مسعوده بایستی صرف شود، مأمورین معین نموده و هر یک از آنها را اجرت کافی داده و راضی نمود بعد از آن سنگ‌هایی را که از ابنیه مسعوده افتاده بود جمع کرده و برای آن که به مواقع مناسبه دیوارهای کعبه الله گذاشته شود، امر به سخت<sup>۲۸</sup> و اصلاح نموده و در این باب به دولکرها و نجارها دستور العملهای لازمه را داد.

چون در بین اهالی شایع شد که احجار مزبوره، پس از اصلاح به ابنیه مسعوده گذاشته خواهد شد، مردم خیلی قیل و قال کردند و چون در این خصوص هر کس هر چه می توانست گفت، لهذا از علما چند نفر که به عدم جواز این امر معتقد و

صورت آلاتی را که به ابنیه مسعوده لازم بود و ادوات و تخته‌های آن جا را که می بایست تدارک کرده شود نوشته و فرستاد، و استدعا نمود که اشیاء و لوازمی که در این دفتر قید و ثبت شده است، به سرعت ارسال گردد. محمد پاشا والی مصر اشیایی را که رضوان آقا استدعا نموده بود تهیه و تدارک کرده، به علاوه آن نجار و اصناف سایره بسیار نیز احضار کرده و در رفاقت مأموری مخصوص به راه انداخت. مأمور مشار الیه در اواخر شهر ذیقعد رسیده، اشیایی را که همراه خود آورده بود به موجب سیاهه آن، به احمد قبانی افندی که کاتب مالیات جده بود، تسلیم نمود. احمد قبانی افندی به موجب امری که از طرف رضوان آقا نوشته شده بود، اشیایی را که از مصر قاهر وارد می شد، با لوازمات سایره آنها، در دو قافله به مکه محترمه فرستاد، اشیایی که با قافله اول فرستاده شده بود در خانه‌هایی که به مکازه‌های<sup>۲۷</sup> عبد الرحمن بن عتیق معروف است، گذاشته شده و حفظ گردید.

رضوان آقا قبل از ورود این قافله راه‌های آبی را که از وادی «خلیص» نام می‌گذشت و به واسطه سیلاب خراب شده بود، تعمیر و ترمیم می نمود، چون راه‌های



رضوان آقا شروع نمود که سنگ‌های مزبور را سخت و اصلاح نماید. لیکن شیخ محمد علی بن علان، که از مشاهیر معترضین بود، مکرّر اعتراض نموده، جمّ غفیری<sup>۲۹</sup> از اهالی نیز سنگ تراش‌ها و سایر عمله را از کار کردن منع نموده و رضوان آقا مجبور به آن گردید، که ثانیاً مفتی‌های مذاهب اربعه را جمع نموده و مسأله مشروحه را بیان و استفتا نماید.

هر یک از مفتیان که حاضر بودند: «یجوز کلّ فعل ما دعت الیه ضرورة، او حاجة» گفته و به جواز مسأله مزبوره، فتاوی مفصله بیان نمودند و خلق را قانع و راضی به آن نمودند که قبل از ورود امر سلطانی، به عملیات شروع کرده شود.

سر رشته و مایه ایراد و اعتراض آن‌ها این نبود که می‌خواستند احجاری را که افتاده بود نحت و اصلاح نموده، به جای خود اعاده دهند بلکه اسباب مجبره‌ای بود که مهندسین در ورقه کشف و ملاحظه خود نوشته بودند، اینک اسبابی مجبره مذکور و جواب‌هایی که معترضین داده‌اند ذیلاً نگاشته می‌شود:

#### سبب اول:

سنگ‌هایی که از ابنیه مسعوده بیت شریف افتاده است قابل استعمال نیست

ذاهب بودند، بنای ایراد و اعتراض کردن به رضوان آقا گذاشتند؛ یکی از افراد علمای معترضین، محمد علی بن علان مفتی شافعی بود، می‌گفت که اگر از طرف پادشاه یک نفر نایب و وکیل معین نشود، به کارهای بیت شریف نمی‌توان مداخله نمود و لازم است که در این باب آن قدرها منتظر بود که از دربار عثمانی امر و اشارتی وارد شود و در این مآل مشار الیه یک ورقه فتوا نیز نوشته بود. بناءً علیه، رضوان آقا مفتی‌های مذاهب اربعه را به حرم شریف دعوت نموده و از آن‌ها استفسار کرد که به تعمیر بیت‌الله اعتراض کرده می‌شود، آیا جایز است کسی که از طرف دولت عثمانی وکیل و مرخص شده، به امور بنا اقدام نماید یا خیر؟ از اعظم اهل فتوا شیخ الاسلام شیخ خالد بن احمد مالکی و از مفتیان شافعی عبد العزیز زمزمی، واحمد بن محمد آقا شمس الدین مفتی حنفی، و عبد الله بن ابی بکر القرشی مفتی خلیلی، در این استفتا این گونه جواب دادند که:

«این کار فرض کفایه است، هرکس

عامل این عمل باشد مأجور و مثاب خواهد

گردید»

و چون به جواز مسأله‌ای که استفتا

شده بود فتوای مزبور نوشته شد، بناءً علیه،

گمان کرده نشود که مدعیان معترضین، فقط از این دو جهت ناشی بوده است، بلکه آنها گفتند که وقعه سقوط بیت‌الله به دربار عثمانی عرض شده است، نباید قبل از آن که اراده سلطانی وارد شود، به امور بنا مداخله نمود، حتی به امر تنظیف حرم شریف و پرده کشیدن به اطراف نیز اعتراض نمودند و باز خراب کردن دیواری را که در میان رکن یمانی و حجرالاسود مقتضی شده بود به هیچوجه قبول و تجویز نفرمودند و گفتند، که نشستن در داخل کعبه‌الله و تدریس کتاب بخاری در درون بقعه مقدسه به طور قطعی جایز و سزاوار است. حال آن که کلیه این مدعیات، واهی و بی اصل بود؛ زیرا که اگر از خارج سنگ آورده نشود دیوارهای بیت‌الله به ارتفاع قدیمی خود نمی‌شود و سنگ‌هایی که شکسته است اگر سخت و اصلاح نشود، برحسب فن معماری در جاهای قدیمی خود گذاشته نمی‌شود و چسبانیدن دیواری که خم شده است، با دیواری که مجدداً ساخته می‌شود به واسطه عدم بقای آن جایز و سزاوار نیست.

این که گفته‌اند حرم شریف تنظیف نشود، اگر چه داخل شدن شتران و مرکوبان و سایر حیوانات به مسجد الحرام یک نوع

چون بعضی از این‌ها شکسته شده است، فقط با آنها نمی‌توان بنای بیت‌الله را اکمال کرد؛ بناءً علیه، لازم است که از خارج به قدر کفایت احجار احضار شود.

#### سبب دوّم:

اگر چه ممکن است دیواری را که تازه ساخته می‌شود، با دیواری که خراب نشده است به همدیگر الصاق نموده و چسبانید، ولیکن بدیهی است که در اندک زمان خراب خواهد شد؛ مع مافیه، بعضی از دیوارهای قدیم خم شده است، هدم دیوارهایی که خم شده است از موجبات قواعد فن معماری است.

#### جواب‌ها:

**جواب اوّل:** سنگ آوردن از خارج و اصلاح احجار منکسره جایز نیست. باید سنگ‌های موجود را به حالت خود استعمال نمود؛ یعنی دیوارهای ابنیه مسعوده را با احجار قدیم اکمال و تمام باید نمود.

#### جواب دوّم:

خراب کردن دیوارهایی را که خراب نشده است، سهل است بلکه بیرون آوردن یکی از سنگ‌ها جایز نیست؛ بناءً علیه، واجب است که دیوار شریف کعبه معظمه را به هیئتی که بقیه اوست تعمیر و ترمیم نمود.



عدم رعایت لازمه احترام است ولیکن چنان که در فوق مفصلاً مذکور گردید، در جایی که هر روزه سی - چهل هزار بار خاک و خاشاک اخراج شود بدیهی است که حمل و اخراج این‌ها با انسان به مصارف فوق‌الغایه محتاج خواهد گردید و از آن گذشته چون این کارها با آن حال، پنج - شش سال طول و امتداد لازم داشت در این مدت حجاج وارده در موسم حج، از ایفای مراسم طواف و زیارت ممنوع و محروم می‌شدند، عالم سهل است، ممکن نیست که هیچ جاهلی این را تجویز نماید! اگر چه پوشاندن اطراف کعبه‌الله را به پرده‌های تخته و تمیز کردن جاهای لازم و ایفای تعظیمات مقتضیه، به موجب فتاوایی که در آخر مقاله مسطور شده است جایز است، ولیکن چون تدریس بخاری در درون آن بقعه مفخمه جواز ندارد، لهذا رضوان آقا فتوایی را که از طرف مذاهب اربعه داده شده بود گرفته و شروع به ایفای مأموریت خود نمود. والی مصر، محمد پاشا، چنان که در فوق نیز مسطور گردید، مکتوبی را که از شریف مسعود وارد شده و وقعه مؤلمه سقوط بیت‌الله را مخبر ومعلن بود، به باب عالی فرستاده بود، چون کیفیت در باب عالی موجب تلاش و هیجان فوق‌العاده شده بود، لهذا وقعه مزبور به

عرض سلطانی رسید و پادشاه عثمانیان نیز سید محمد افندی انقره‌وی نقیب الأشراف را مأمور و امر نموده بود که آن بقعه مقدسه را موافق وضع قدیم خود، تجدید و تأسیس نمایند و به والی مصر محمد پاشا نیز امر جداگانه سلطانی صادر شده بود که از جریه قبلیان مصر تنخواهی که برای تجدید بقعه مقدسه کافی تواند شد، تدارک و ارسال نماید و نیز والی مصر را امر شده بود که، شخص متدینی به نام امین ابنیه تعیین و ارسال شده و نظارت عمارت مقدسه نیز به سید محمد افندی سالف‌الذکر حواله فرموده شده و به جانب سنئی<sup>۳۰</sup> الجوانب مکه مکرمه ارسال و اعزام گردید و این قرارداد به موجب فرمان سلطانی به شریف مسعود نیز اعلام و اطلاع داده شد. محمد پاشا والی مصر، به موجب فرمان سلطانی که صادر و وارد شده بود، برای تعیین و انتخاب شخص امینی به امانت ابنیه مسعوده، مجلسی تشکیل کرده، مأمورین حکومت واعیان مملکت را، در آن جا جمع کرده و گفت که سقوط بیت‌الله را من به باعالی اطلاع داده‌ام و عریضه‌ای را هم که شریف مسعود به دربار سلطانی عرض کرده بود، در لف<sup>۳۱</sup> فرستاده‌ام. اعلی حضرت سلطانی نظارت عمارت مزبور را به سید محمد افندی انقره‌وی که قاضی مدینه

کار انتخاب شده و ارسال گردیده است، از این که ما برای جستجوی مأمور دیگر، اوقات خود را ضایع نماییم بهتر و مناسب تر از آن است که همان مأموریت رضوان آقا را تصدیق کرده و عطیه‌ای را که از طرف سلطانی داده شده است ارسال نموده و اشیاء لازمه نیز فرستاده شود، که مشارالیه اتمام خدمات مرجوعهٔ ابنیهٔ مقدسه نماید و به این جهت هم به خزینهٔ دولت از جهت مصرف و به ابنیهٔ مسعوده کعبه‌الله نیز خدمتی نموده باشیم. بناءً علیه، والی مصر محمد پاشا، مأموریت رضوان آقا را تصدیق کرده، و به شریف مسعود نیز یک مکتوب مفصلی نوشته، و فرمان و خلعت سلطانی را هم که برای شریف مشارالیه آمده بود، به مأمور مخصوص داده و روانه داشت. چون در این اثنا سید محمد افندی نیز در مصر بود، با مأمور مشارالیه به جانب مکه اعزام کرده شد، و اشیایی را که رضوان آقا صورت آن‌ها را فرستاده و خواسته بود تهیه و تدارک کرده، و علی‌الاتصال به طرف سویس فرستاده می‌شد، چون لوازمات مزبوره بالتمام به سویس نقل و ایصال می‌شد، به کشتی کاپیتان سویس که محمد بیگ بود حمل نمود، و به آدم رضوان آقا تسلیم کرده، به طرف جدّه فرستاده شد.

منوره بود حواله فرموده، و امر نموده است که یکی از امرای متدین مصر را به امانت بنا انتخاب و تعیین کرده و بفرستم و برای مصارف این کار از خزینهٔ مصر تنخواه کافی تفریق نموده بدهم، و باز یک قطعه فرمان سلطانی با یک خلعت به شریف مسعود فرستاده شده است و برای شخصی که به امانت منتخب و معین خواهد شد یک بیرق سلطانی نیز ارسال گردیده است. من پیش از این برای انجام این خدمت، رضوان آقا را معین کرده و فرستاده ام، اکنون از طرف رضوان آقا برای بردن اشیایی که به آن بقعهٔ مقدسه لازم است، شخصی به نام محمد چاوش آمده و صورت اشیاء لازم را آورده است. اگر چنان چه رضوان آقا شایسته این خدمت است، اسباب لازمه را تدارک کرده، و به توسط محمد چاوش به نزد او بفرستیم، و الا اگر مناسب‌تر از رضوان آقا شخص دیگری هست او را احضار کرده، و این را بفرستیم. پس از آن که اهل مجلس مدّت زیادی در این باب تفکر و خیال نموده و با همدیگر مشاوره کردند، همگی گفتند که عفت و استقامت و دیانت و اهلیت رضوان آقا و وقوف و اطلاع او به کارهای ابنیهٔ مسعوده، در نزد همهٔ ما مصدّق و معلوم است؛ چنان که قبل از این نیز برای همین

به اشیاء و لوازمات موروده، احتیاج کلی دارد، لهذا از تخته‌هایی که وارد شده بود یک قافله ترتیب داده، همان شب به مکه معظمه فرستاد و قافله مزبوره علی الصباح به آن شهر مکرم واصل گردید. هنگام ورود این قافله، رضوان آقا به کمال سرعت به اطراف کعبه علیا، از تخته‌های بلند مرتفع یک پرده‌ای کشید و یک روز بعد نیز اشیائی را که در بندر جده بود احضار کرده و به انبار مخصوص گذارده و محفوظ نمود.

روز بیست و دوم ربیع الثانی

[چهارشنبه] به حول کعبه‌الله را محض تعظیم و احترام آن، از انظار خلائق مخفی و مستور دارد، پس از آن که این پرده نیز تمام شد. سید محمد افندی ناظر عملیات نیز مواصلت کرد و چون مشار الیه، فرمانی نیز از حضرت سلطانی آورده بود، محض این که فرمان مزبور قرائت شود به سید عبد الکریم افندی برادر شریف مسعود و همه اشراف و اعیان و قاضی، و شیخ الاسلام مکه معظمه، رقعہ‌های دعوت نوشته شده، همه مدعوین روز دوشنبه بیست و هفتم شهر ربیع الثانی در ساعت معین، در داخل حطیم شریف حاضر شده و فرمان سلطانی که خطاب به شریف مسعود بود در آن انجمن خوانده شد. چون شریف مسعود هنگام

محمد بیک روز نوزدهم ربیع الثانی به بندر ینبع مواصلت نموده، محمود چاوش نیز از کشتی در آمده، و به یک شتر راهروی سوار شده، از راه صحرا به جانب مکه مکرمه عزیمت، روز هنگام وصول خود، تجدید مأموریت رضوان آقا را بیان کرده و گفت اگر چه سید محمد افندی، حال در مصر قاهره است. ولیکن کافه امور ابنیه مبارکه بیت معظم به طور استقلال به محمد پاشا والی مصر مفوض شده است، و در خصوص دقت و اعتنای کامله به این امر از جانب سلطانی، اوامر و احکام لازمه شده است. حال آن که محمد پاشا برای ایفای آن خدمت مسعوده از طرف خود، رضوان آقا را وکیل و معین فرمودند. پس از مدت کمی، سید محمد افندی نیز به مکه مشرفه وارد شده، و با رضوان آقا در خصوص ابنیه مبارکه کعبه‌الله ملاقات مفصل نمودند، زمانی که محمود چاوش از بندر ینبع برآ<sup>۳۲۱</sup> عازم مکه شده بود، محمد بیک نیز بحرآ<sup>۳۳۱</sup> به طرف بندر جده عزیمت نموده بود. روز بیست و یکم ربیع الثانی به جده واصل شده و اشیائی را که از تخته آلات و ادوات و لوازمات سائره آورده بود، موافق ثبت و سیاهه آنها، به احمد قبانی افندی که کاتب مالیه بود تسلیم کرد، او هم چون می‌دانست که ابنیه مسعوده

قرائت فرمان سلطانی بستری و ناخوش بود، لهذا نتوانسته بود در آن مجلس حضور بهم رساند، بناءً علیه، خلعت سلطانی که به افتخار او آمده بود، به خانه مشارالیه فرستاده شد و خلعتی هم که برای رضوان آقا آمده بود، در مواجهه حضار پوشانیده شد و به سید علی بن امزغ<sup>۳۴</sup> و سایر خدام چنان که عادت بود خلعت‌ها پوشانیده شده و آن مجلس به دعای ازدیاد شکوه اسلام سمت احتشام پذیرفت. به جهت رضوان آقا در مقابل خدمت خود یک قطعه هم بیرق سلطانی داده شده بود، چون رضوان آقا نمی‌خواست که پس از این خدمت مقدسه مفتخره، در مأموریت جداگانه، عمر خود را بگذراند. لهذا استدعای آن داشت که مأموریت شیخ الحرمی مدینه منوره به او داده شود، نیاز و استدعای مشارالیه، قبول شده به عهده مشارالیه، قصبه جده معموره، و منصب شیخ الحرمی دار الهجره، مفوض گردید. چون رضوان آقا مأموریت خود را به حد ختام و اتمام رسانید، به اسلامبول آمده و به عهده مشارالیه بیکلر بیکی کری نیز محول و موکول آمد، چون او را نیز قبول نکرد، در سالی به ششصد هزار «اقچه» سالیانه سرافراز گردید. در مکتوبی که والی مصر محمد پاشا، به شریف مسعود نوشته

بود مندرج بود که، در امر تجدید و تعمیر بیت شریف صرف مساعی و همت نمایند، و به امور مأموره مشارالیه معاونت نموده، و سمت انجام دهد. شریف مسعود از این امر به نهایت مسرور و محفوظ گشته در حق والی مصر سپاس و ستایش به سزا نمود. به خود رضوان آقا و همراهان او، لباس خلعت نموده، در روز بعد که روز بیست و هشتم ربیع الثانی بود شریف مسعود به دار الاماره فردوس، انتقال و ارتحال نمود.

ارتحال شریف مسعود در میان اهالی، موجب قیل و قال شده، اگر چه اهالی کرام و مجاورین ذوی الاحترام مکه را دچار تلاش و اضطراب نمود، و لیکن رضوان آقا به اقتضای صفات به حسیات حسنه خود، به ضبط و ربط مملکت بذل همت و غیرت نموده، اعلان نمود که هرکس ساعی فساد شود و موجب اختلال گردد، خون او هدر و حلال خواهد بود. این اعلان را منادیان در کوچه و بازار و محلات به مسامع<sup>۳۵</sup> اهالی القا نمودند. پس از آن که شریف مسعود را تجهیز و تکفین نموده و در حرم شریف نماز او را گزارده، در مقبره معلاً دفن نمودند. رضوان آقا اعیان و اشراف مکه و قاضی و شیخ الحرم و متنفذان اهالی را در حرم شریف جلب و احضار نموده، سید شریف



خدمت جداگانه دیگر معدود داشته و از هرگونه اختلال و فساد خود را مرفه الحال دیدند.

سنگ‌هایی که از دیوارهای بیت شریف افتاده بود، در اندرون حرم مسجد الحرام مانده، و هر پارچه آن در گوشه‌ای پراکنده بود. اشراف و اعیان مملکت و خدمه بیت الله و مأمورین حکومت، روز جمعه، غره جمادی الاوّل در حرم بهشت توأم مسجد الحرام فراهم آمده، احجاری را که به اطراف و اکناف پراکنده شده بود جمع نموده، قدری از آن را در قرب رکن عراقی به صفه مقام حنفی گذاشته، و بر روی آنها خیمه‌ای بر پانمودند. و برخی از سنگ‌ها را هم عمه جمع کرده در نزدیکی مدرسه سلیمانیه به محلی گذاردند. استادان سنگ تراش را نیز از خارج جلب و احضار کرده و به سخت و تراشیدن احجار ابتدا نمود.

مرحوم شریف مسعود قنادیل طلا و نقره بیت‌الله را در نزد محله باسطیه، به محلی گذارده بود. روز مزبور آنها را نیز بیرون آورده و یک یک شمردند و به دفتر مخصوص خود مطابق کرده و به رضوان آقا تسلیم نمودند. هجده عدد از قنادیل مزبوره طلا و سی و یک از آنها نقره بودند که

عبد الله بن حسن را که در آن تاریخ، مفخر دودمان آل عبد مناف و برگزیده سادات و اشراف بود خطاب کرده و گفت:

ای آقای ما، به شهادت کسانی که در این جمعیت موجود هستند و یا آن که در سایر محال می‌باشند، منصب جلیل امارت و رتبه عال العال شرافت، بر اشراف سائره، حق صریح شماست، استدعا داریم که خلعت فاخره امارت را اکسا فرموده، و به ضبط و ربط امور مملکت شروع و ابتدا نمایند. به این تهیه، اهل فساد نتوانستند که ظاهر شده و نائره اختلال را اشتعال دهند.

اگر چه سید عبد الله افندی در قبول این تکلیف، که از طرف رضوان آقا کرده شد، تردید نمود ولیکن اعیان و اشراف مکه و اعلام علمای شهر بکه، به شریف مشارالیه گفتند: که این گونه تکلیف رضوان آقا، نافع در حق دین و دولت است قبول این تکلیف را ما نیز استدعا می‌نماییم. بنابراین خلعت خضرای امارت و شرافت را پوشیده و به ضبط و ربط امور مملکت قیام و اقدام نمود. این قسم تدبیر رضوان آقا، مملکت را از یک فتنه بسیار بزرگ متخلص داشته و اهالی را از اندیشه و خیال رهانید. به این سبب خلق از این تدبیر او، ممنون و محظوظ شده و این خدمت دلپذیر را در حق کعبه الله، یک

مجموع آنها پنجاه و یک بودند.

روز شنبه دوّم جمادی الاولی، هیئت مذکوره باز جمع شده، سنگ‌هایی را که در طرف رکن عراقی بود، به صفّه مقام حنفی گذاشته و مرم‌های مطاف شریف را نیز برداشته در نزد باب السدّه به جایی نهادند.

حجّاران از امروز به سخت و تسویه سنگ‌هایی که از کعبه‌الله افتاده بود مشغول شده و نجّاران نیز به بریدن تخته‌ها شروع نمودند.

روز سیّم جمادی الاولی، باب خزینة الشموع را که عبارت از نصف سقایة عباس بن عبد المطلب بود، کنده و کمری را که از طرف سلطان احمد خان فرستاده شده بود، در آوردند.

در حضور قاضی مکه و شیخ‌الحرم و سایر اعیان شهر، زرگرها احضار کرده طلا و نقره کمر مزبور را از همدیگر جدا و تفریق نمودند. از آهن‌های این کمر ده‌هزار درهم طلا و یکصد و بیست و چهار هزار درهم نقره در آوردند و لیکن طلا و نقره کمری که در دیوار میانی رکن یمانی و حجرالاسود بود، از حساب خارج است. اگر طلا و نقره کمر این طرف نیز حساب شود، باید ثلث مقدار مذکور را نیز منقسم و علاوه نمود.

والی مصر محمد پاشا به قدر لزوم

سنگ مرمر و آلات و ادوات و تخته‌های بسیار تدارک کرده، برای فرستادن به جده، از سوییس به یک کشتی حمل نموده بود. این کشتی به یک طوفان مخوفی دوچار [دچار] شده آخر الامر غرق و تلف گردید و کیفیت غرق شدن کشتی روز جمعه پانزدهم جمادی الاول به مکه مکرمه رسیده و مایه تأسف و کدورت اهالی گردید.

روز بیست و سوّم ماه مزبور، به هدم دیوارهای بیت شریف شروع کرده و به این لحاظ به اطراف مطاف شریف یک پرده‌ای از تخته کشیدند، مقصود از کشیدن این پرده آن بود که نجّارها و کسانی را که در ابینة مقدسه بیت‌الله کار می‌کردند، از نظر اهالی پوشیده دارند و در این عمل به عبدالله بن زبیر پیروی و تبعیت کرده بودند؛ زیرا ابن زبیر نیز هنگامی که می‌خواست بیت‌الله را منهدم کند به اطراف بیت‌الله پرده کشیده بود.

زمانی که نجّارها مشغول ساختن پرده بودند، رضوان آقاو شیخ ورئیس عمل‌ها مذاکره می‌کردند که آیا کدام روز مقتضی است که به هدم بقعه مقدسه شروع و ابتدا نمود؟ پس از آن که طرفین مذاکرات طولانی نمودند، مقرر شد که روز یکشنبه به هدم و تخریب آن بیت محترم شروع کرده



ملاحظه، معماران ابنیه مسعوده و مهندسين مملکت، عموماً حضور داشتند.

مهندسين و معماران، مواقع مذکوره را به طور دقت و انتظام کشف و معاینه نموده، دیدند که سقف شریف و دیوارهایی که هنوز خراب نشده است، به کلی پوسیده و از همديگر پاشیده شده است و به حصار خطاب کرده، گفتند که، ابنیه مسعوده این بقعه مفخمه، از مبنای خود حرکت کرده است. ما اینک به شما می‌گوییم بعد از این ما را متهم و مقصر ننمایید و نگویید چرا در وقت و موقع آن نگفتید. در حضور مفتیان مذاهب اربعه و قاضی افندی، و همه اشراف و اعیان بلده، صدق آن را گفتیم، باز تکرار می‌کنیم که ابقای بیت‌الله، به تعمیر تنها جواز ندارد و چون همه جای بیت‌الله سست شده است، لهذا تجدید کلیه آن، لازم و متحتم<sup>۳۷</sup> است. و مدعیات خودشان را نیز به شهادت جمع کثیری از مسلمانان اثبات نمودند.

حضر مسلمین که این ادعای مهندسين و معماران را بدون تردید تصدیق نمودند، برای آن بود که محمد علی بن علان را که از علمای معترضین بود اسکات نمایند؛ زیرا که «ابن علان» ادعا می‌نمود که جایز نیست دیوارهایی را که سقوط نکرده

شود. بناءً علیه، روز یکشنبه بیست و چهارم ماه مزبور، در حالتی که اشراف کرام و علمای عظام و سایر اهالی حضور داشتند، به اجرای عملیات کعبه معظمه شروع کرده شده، به طرف بیرون دیوارهای بیت شریف به ارتفاع شش ذرع پرده نیز از تخته کشیدند و برای تقبیل و استلام حجرالاسود اهل طوایف را نیز راهی قرار دادند، چنان که ابن زبیر نیز به همین منوال عمل کرده بود، مطوفین کعبه‌الله را از طرف بیرون پرده دوم، دور و طواف می‌نمودند. روزی که پرده دوم کشیده، به اطراف اربعه آن، یک اسکله بسیار محکم و متینی نیز ساختند.

مقصود رضوان آقا از ساختن این اسکله آن بود که هر قدر دیوارهای کعبه‌الله بلند می‌شود، رفتن و آمدن بناها و راه گل و سنگ آوردن عملها را تسهیل نماید، پس از آن که شش هفت روز با این کارها گذرانده شد، روز غره جمادی الآخر، بقیه کمر آهنی را که در بالای دیوار شجرالاسود [حجرالاسود]<sup>۳۶</sup> بود در آوردند و روز دوم جمادی الآخر، شریف علی بن برکات و سادات بلده، علی الصباح به دایره حطیم شریف جمع شده، با رضوان آقا دیوارهای بیت مکرم را که سقوط نکرده بود و سقف آن را ملاحظه نمودند. در این کشف و

است، خراب ساخت. و بدین بهانه و دستاویز، جمّ غفیری<sup>۳۸</sup> از عوام اهالی را فریب داده، به خیال این که نگذارد دیوارهایی را که از تأثیر سیل پوسیده و سقوط نکرده است منهدم سازند، بنای آشوب و اختلال داشت. رضوان آقا نیز در تشخیص مسأله تردید کرده، از مفتیان مذاهب اربعه که در علم و فقاقت مشهور آفاق بودند، مسأله را استفتاء کرد. ایشان نیز در جواب گفتند که بر حسب ضرورت و شهادت اهل خبره، عمل نمودن و سعی و اقدام کردن در تجدید بنا، جایز است و باید اهتمام نمود که در این صورت مال حلال خرج شود.

نظر به ورقهٔ مهمورهٔ مهندسین و معماران و شهادت اکثری از مسلمین، روز سه شنبه سیّم جمادی الآخر، در عوض دیوارهایی که خراب شده بود، پرده‌ای را که از تخته کشیده بودند برداشته، احجار باقی مانده را برداشتند و به کمال توقیر و احترام به محلی که در نزد مدرسهٔ باسطیه معین شده بود گذاردند. روز چهارشنبه چهارم جمادی الآخر شروع به عملیات پایین آوردن سقف شریف نمودند و رضوان آقا آن روز را از نزد مهندسین و معماران دور نرفته، سرمی را که در فوق سقف مبارک، و

تخته‌ای را که مخصوص به ربط کسوهٔ شریف بود پایین آورده، به خزینه‌الشموع گذارده و خاکی را هم که از سقف شریف در آورده بودند، به مطاف شریف جای دادند.

روز جمعه ششم جمادی الآخر، شریف علی بن برکات و اعیان علما و مفتیان مذاهب اربعه، در داخل حطیم کریم جمع شده، عمارت جدیدهٔ بیت‌الله را تماشا کردند، و حکم نمودند که ابنیهٔ جدیده در نهایت متانت و استحکام خواهد بود.

شیخ محمد علی بن علان که از معترضین اهل مکه بود، در جمعیت مزبور نیز حضور داشت. رضوان آقا برخاسته و خطاب به حضار نموده گفت که «ابن علان» راضی به هدم دیوارهایی که از سیل خراب نشده نیست، و در این خصوص بعضی گفتگوهای فتنه انگیز می‌نماید، که بین العوام مؤدی، موجب فساد تواند گردید. آیا شما چه می‌گویید؟ حضار و مفتیان علی العموم گفتند: که بنا به قول مهندسین و معماران، هدم دیوارهایی که شما نشان دادید، و تجدید اساس بیت‌الله به درجهٔ وجوب رسیده است.

روز شنبه هفتم جمادی الآخر، بقیهٔ سقف لطیف را پایین آورده، بعضی را در نزدیکی مدرسهٔ سلیمانیه، و برخی را هم بر





رکن یمانی و احجار موجوده سائره را، که محل استلام مطوفین کرام بود خراب کرده، و هریک را به محلی گذاردند. در سنگ‌های شاذروان کعبه بعض حلقه‌های آهنی و پوشیده از طلا بود، که مخصوص ربط کوه شریفه بودند.

روز چهارشنبه هیجدهم جمادی‌الآخر، غیر از احجاری که در زیر و بالای حجرالاسود بود، در هیچ طرف دیوارهای کعبه‌الله سنگی نمانده بود، به این جهت کافه لوازماتی را که متعلق به حجّاران و نجاران بود حاضر ساخته و به خزینة‌المال نهادند و روز پنجشنبه نوزدهم ماه، برای این که اساس و دیوار اربعه بیت‌الله را حفر و تطهیر نموده و بنا بگذارند، سنگ‌های بزرگ را به محلی نزدیک نقل نموده، چون سنگ‌های سبز که آثار اساس و بنا بود نموده شد، به تجدید شروع کرده و از جانب شامی بدء نموده، یک صف سنگ نهادند. روزی که اساس شریف بیت‌الله گذاشته می‌شد، روز بیست و سیم جمادی‌الآخر بود. از احجار اساسیة کعبه‌الله الی سقف شریف، موافق ترتیبی که عبدالله بن زبیر نهاده بود بیست و پنج صف سنگ گذارده بودند لیکن سنگ‌هایی که بر بالای سنگ‌های سبز گذاشته شده بود و چون در زیر احجار

بالای احجاری که در اطراف بیت‌الله بود جای دادند. این که تخته‌ها را به جای متفرق می‌گذاشتند برای این بود که زمانی که دیوار شریف را خراب می‌کردند از سقوط احجار، تخته‌ها را حفظ و حراست نمایند. ظهر روز مزبور جدار شریف را؛ یعنی بقیه دیواری را [که] در طرف چاه زمزم بود و روز دیگر که هشتم جمادی‌الآخر بود، جدار غربی؛ یعنی بقیه کعبه‌الله را که مقابل باب ابراهیم بود و تخته‌ای را هم که در بالای این دیوار جای داشت، پایین آورده جدار یمانی را نیز که بقیه دیواری است که مقابل باب الصفا است خراب کردند.

چون عملیات هدمیة جدار یمانی، روز نهم جمادی‌الآخر به ختام رسید، روز دهم جمادی‌الآخر، بقایای سائره دیوارهای بیت‌الله را شروع به هدم نموده، روز جمعه چهاردهم شهر مزبور، تا عتبه علیه باب معلی القاب کعبه‌الله خراب نمودند. روز [...] بیرون باب عالی جناب بیت‌الله را به موقع مخصوصی که حجّاران احجار شریفه را سخت و تسویه می‌نمودند، آوردند. پس از آن باب سعادت مآب را از جای خود قلع کرده، سر بالا به خلوتی که زیر خانه مرحوم میرزا بود گذاشتند.

سنگهای شاذروان بیت محترم و

شاذروان کعبه مانده بود، داخل حساب نبود. بیست و چهارم جمادی الآخر حوض‌های کج را ترتیب داده و سنگ‌هایی را که در خارج بود، به مطاف شریف نقل نمودند.

و روز بیست و پنجم جمادی الآخر احجار تازه‌ای را که از کوه شبیکه قطع نموده بودند، در نزدیکی مشهد عارف بالله، شیخ محمود بن ابراهیم ادهم تراشیده، پس از آن به واسطهٔ حمّالان، به حرم شریف مسجد الحرام آوردند. این سنگ‌ها در قرب مقام مالکی شستشو شده، پس از آن به نزد جدران کعبه‌الله آورده می‌شد.

بیست و ششم ماه بالای صف اول سنگ‌هایی را که مقدماً گذارده بودند، ساخته و از جهات اربعه تا زمین مطاف بالا آوردند و برای این که در خدمت اساس سعادت استیناس<sup>۳۹</sup> کعبه‌الله موجود باشند، شریف مکه و قاضیان حرمین محترمین، شیخ الحرم و کلیهٔ علما و فقهای اهل مکه نیز در حرم محترم حضور داشتند و همهٔ آنها حمل و نقل احجار می‌کردند و به اعتقاد این که آن خدمت عالی منزلت موجب شأن و عزّت آنها خواهد شد، مدتی مشغول بودند و بعدها آمده در حطیم کریم نشستند. چون رضوان آقا نیز همراه بود پس از اندک مدتی قیام کرده و دفتری از جیب خود درآورده اسامی

شریف عبدالله و قاضی مکه مکرمهٔ معظمه و شیخ الحرم و نایب الحرم و والی بلدهٔ مسعوده و مفتیان مذاهب اربعه و بیست نفر اشخاص که در خدمت بنا، مستخدم بودند خوانده و به هر یک از آنها خلعتی پوشانیده و پس از آن به مجلس بنا ختام دادند.

روزی که به قواعد اساس بیت الله ابتدا می‌شد، یکی از فضلاء مکه مکرمه بالبداهه تاریخ آتی را انشاد نمود (رَفَعَ اللهُ قَوَاعِدَ الْبَيْتِ) مدعوین مشار الیهم چنان که مشروح شد پس از آن که اساس عدیم الإندراس بیت‌الله را زیارت و در داخل حطیم کریم اکتسای خلعت نمودند. با زوّار سائره در حول بیت‌الله نشستند و تلاوت قرآن نموده، معاودت کردند.

پس از آن رضوان آقا در داخل مقامات اربعه، هر روز حفاظ را جمع نموده و یک قرآن کریم تلاوت می‌کردند و سه نفر حافظ فقیه نیز هر روز وقتی که بناها شروع به کار می‌نمودند در همان دقیقه هر یک، یک سورهٔ فتح قرائت می‌کردند. رضوان آقا برای پرده‌ای که از تخته کشیده بودند یک در نیز علاوه نمود. کلید این در را رضوان آقا به شخصی داده بود که خود معین نموده هر صبح که باب مزبور مفتوح می‌شد حفاظی در داخل مقامات اربعه بودند ختم قرآن



ساختند، سنگ‌های صف دوم رکن غربی و دیوار شامی را چیدند و روز بعد آن، که غره شهر رجب بود، سنگ‌های صف دوم دیوارهای جوانب اربعه بیت الله را تمام کرده گذاردند.

روز دوم رجب به تخمیر و تصفیه کل و تهیه لوازم سنگ‌های صف سیم پرداخته روز سیم رجب عتبه شریفه باب کعبه الله را بر روی سنگ‌ها جای دادند. زرگرانی هم که حاضر شده بودند ظرفی از نحاس را که برای حجر الاسود حاضر کرده شده بود به نقره گرفتند سنگ تراشان به معاونت حمالان سه عدد چوب بزرگ را که می‌بایست در داخل بیت الله رکز شود گذارده و جناحین باب معلی القاب کعبه الله را نیز به عرصه مقدسه بیت الله نقل نمودند.

خلاصه عملیات کعبه محترمه تا آخر ماه صیام آن سال تمام شده و به کمال دقت و اعتنا انجام داده گردید.

در صفحه‌ای که بر بالای باب معلی القاب کعبه الله آویخته شده بود، بر بالای رنگ لاجوردی باب طلا، محرر گردید:

«إِن أَوَّلَ بَيْتٍ وَضَعَ لِلنَّاسِ لِلذِّی  
بِبَکَّةٍ مَّارِکاً وَهَدَىٰ لِلعَالَمِیْنَ فِیهِ آیَاتٌ بَیِّنَاتٌ  
مَّقَامِ اِبْرَاهِیْمَ وَ مِنْ دَخَلِهِ کَانَ أَمْنًا وَ لِلّٰهِ عَلٰی  
النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مِنْ اِسْتِطَاعِ اِلَیْهِ سَبِیْلًا»

می‌کردند و زمانی که بناها شروع به ساختن دیوار کعبه الله می‌کردند حقاظی که در مقام حنفی بودند سوره مبارکه فتح را قرائت می‌نمودند. این اصول تا زمان اتمام بقعه مفخمه بیت الله دوام نموده، در ظرف این مدت هر روز در داخل مقامات اربعه یک قرآن و سه سوره فتح خوانده می‌شد بناها روزهای بیست و ششم و بیست و هفتم و بیست و هشتم جمادی الآخر برای ترتیب اسباب و لوازم سنگ‌های صف دوم مستثنی شده و روز بیست و نهم شهر مزبور به چیدن سنگ‌های صف دوم پرداختند و روز سیام شهر مزبور حجر مبارک را به گوشه‌ای که رکن یمانی گفته می‌شود گذاردند.

از طرف اعلائی این سنگ مبارک پارچه‌ای افتاده بود، برای این که به احجار سائره به طور سزاواری مماس نماید مقدار کافی سرب ذوب شده ریخته و محل مکسور آن را با جهات سایره موافق کردند.

در اثناهی که حجر مسعود به محل خود گذارده می‌شد، مفتاح‌دار بیت شریف معطرات آورده به حجر مذکور و احجار سائره که در اطراف آن بود پالید. پس از آن که بنایان حجر مبارک را به محل مبارک خود وضع نموده و اطراف او را محکم

نمود که در میان خودشان توزیع و تقسیم نمایند. رضوان آقا نیز همان ستاره شریفه را هنگامی که به حضور سلطانی می‌رسید پیشکش کرده و مظهر التفات اعلیٰ حضرت سلطانی گردید.

روز پنجم شهر شوال بیت شریف را باز نمودند و رجال و زنان داخل شده و به وظایف عبودیت و بندگی خویش اقدام نمودند.

و در زیر آیت جلیله مذکوره تاریخ آتی نیز نوشته شد:

### تاریخ اللوح

اللّوح ذالما سترمّ مجدداً  
قد بدل السلطان احمد عسجداً  
قیداً له من حدید ذو جدا  
الله أنعم بالمجدد ایدا  
الهمت فی تاریخه لما بدا  
لوح ذالسلطان احمد جـدداً<sup>۱۰۲۰</sup>

پس از آن که پرده شریفه مذکوره را تعلیق کردند، کسوه عتیقه را پایان آورده و ستاره‌ای تازه را آویختند؛ چنان که بعد از این در محلّ خود مذکور خواهد شد، در میان سلاطین و ملوک عادت بر آن جاری شده بود که هر گاه کسوه مبارکه بیت‌الله را تجدید می‌کردند عتیق و کهنه او را در میان خدام بیت‌الله تقسیم می‌نمودند ولیکن شریف عبدالله و مفتاح دار و عموم خدام بیت‌الله در مقابل سعی و همتی که از رضوان آقا در خصوص عمارت ابنیه مسعوده بیت‌الله دیده بودند و کسانی که همیشه از این کسوه حق داشتند حق خود را رضوان آقا هدیه و هبه نموده و کیفیت را به خود مشارالیه گفته و در قبول آن اصرار و ابرام نمودند. مشارالیه هم این تکلیف خدام را به امتنان پذیرفته و به خدام بیت‌الله چهل هزار لیر هدیه و احسان

● پی‌نوشتها:

- ۱- دائرة المعارف ترکی عثمانی.
- ۲- عاتق بن غیث بلادی، نشر الرباحین، ج ۱، ص ۸۶
- ۳- ترجمه مرآة الحرمین نسخه مخطوط ص ۶۰
- ۴- بر اساس آنچه ابراهیم کردی مکی آورده:  
ایوب صبری پاشا در پایان آخرین جزء کتاب مرآة الحرمین، در ص ۱۳۴۳ نوشته است:  
تألیف کتاب «مرآة الحرمین» را به یاری خداوند بخشاینده، در روز مبارک ۲۴ ربیع الاول سال ۱۲۹۹ ه. ق. به پایان بردم. وی سپس می‌افزاید: ظاهراً مؤلف پس از آن که در سال ۱۲۹۹ تألیف کتاب را به پایان رسانده، در سال ۱۳۰۱ ه. ق. کار چاپ آن را آغاز نموده و یک سال بعد نیز کار چاپ آن را به پایان رسانده است. التاریخ القویم، ج ۶ ص ۳۳۱
- ۵- موائد جمع مانده و به معنای طعام و یا سفره به طعام آراسته است.
- ۶- ندید به معنی همتا و نظیر است.
- ۷- مرآة مکة، چاپ ترکیه، ج ۱، ص ۹
- ۸- عاتق بن غیث بلادی، نشر الرباحین فی تاریخ البلد الامین، ج ۱، ص ۸۶
- ۹- مانند احمد مدحت افندی، معلم ناجی، احمد جواد پاشا.
- ۱۰- التاریخ القویم، ج ۶ ص ۳۳۳
- ۱۱- دائرة المعارف ترکی عثمانی.
- ۱۲- انطباع به معنای چاپ شدن است و وزیر انطباعات سمتی همانند سمت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمان کنونی بوده است.
- ۱۳- ایشان مشخص نکرده که بر مبنای کدام مذهب جایز نیست.
- ۱۴- یعنی گذر کردن و گذشتن، به این معنا که مرحلهٔ وجوب و ضرورت را پشت سر نهاد.
- ۱۵- اشاره به مباحث قبلی در کتاب مرآة الحرمین دارد.
- ۱۶- عَرم به معنای سدّ و بند و باران شدید است و مراد از سیل عرم، سیل شدید و مهیبی است که در قرن دوم پیش از میلاد در نزدیکی شهر صبا جاری شد و سد معروف مأرب را شکست و باعث انقراض دولت سبا گردید.
- ۱۷- جذاء به معنای برابر و روبرو است.
- ۱۸- در متن ترکی «روز جمعه ۲۱ شعبان» است.
- ۱۹- حائر؛ یعنی حیران و سرگردان.
- ۲۰- حائم صفت فاعلی از «حوم» و «حوام» و «حیام» و «حومان» و به معنای گرد چیزی گردنده است. لغت نامه دهخدا / ۷۳۹۲
- ۲۱- محافظه‌هایی که در کشتی، در جاهای مختلف نصب کنند برای نگاهداری ابزار تا در موقع لزوم به کار برده شود. و در این جا نیز مراد وسایلی است که بدان دیوار کعبه را بسته‌اند تا از فروپاشی آن جلوگیری گردد. لغت نامه دهخدا، / ۱۶۳۸۴
- ۲۲- در لغت مرد سست و ناتوان را گویند، ولی در فارسی به معنای خلعت داده شده هم آمده است که در اینجا معنای دوم مراد است.
- ۲۳- پیوسته و یکی پس از دیگری آمدن.
- ۲۴- در متن ترکی «بیست روز» آمده.

- ۲۵- فرش گستردن و فرش کردن.  
۲۶- در متن ترکی «متحیزان» آمده.  
۲۷- در متن ترکی «مغازه» آمده.  
۲۸- ساخت و تعمیر.  
۲۹- گروه بسیاری از مردم.  
۳۰- به فتح سین و کسر نون و تشدید یا، به معنای رفیع و عالی است یعنی شهری که از همه سوی مقامی رفیع و والا دارد.  
۳۱- به معنای پیچیدن و جمع کردن.  
۳۲- از طریق خشکی و زمینی.  
۳۳- از طریق دریا.  
۳۴- در متن ترکی «هبزع» است.  
۳۵- به گوش مردم رساندند.  
۳۶- در متن شجرالاسود آمده که ظاهراً اشتباه از کاتب است.  
۳۷- ضروری و حتمی است.  
۳۸- گروه بسیاری.  
۳۹- الفت و محبت پیدا کردن.